

جایگاه خداباوری گشوده به‌عنوان رویکردی نوین در میان انواع خداباوری^۱

مهدی ابوطالبی یزدی*

رسول رسولی پور**، محسن جوادی***، امیرعباس علیزمانی**** و قربان علمی*****

چکیده

خداباوری گشوده به‌عنوان رویکرد جدیدی در عرصه الهیات و فلسفه دین، نظریات و دیدگاه‌هایی را مطرح کرده است که هم به لحاظ فلسفی و هم به لحاظ الهیاتی (کلامی) توجه بسیاری از اندیشمندان معاصر را به خود جلب کرده است. مدعای اصلی و اساسی حامیان این رویکرد این است که بسیاری از آموزه‌های رایج درباره ذات و صفات خدا (و به‌طور خاص صفاتی مانند علم پیشین خدا، تغییرناپذیری، انفعال‌ناپذیری و بی‌زمان‌بودن خدا)، برگرفته از فلسفه‌های یونانی، به‌ویژه سنت نوافلاطونی هستند و تحت تأثیر آن‌ها قرار دارند و به همین دلیل، از مسیر اصلی خودشان که همان مسیر کتاب مقدس است، فاصله گرفته‌اند. بنابراین، برای زدودن انگاره‌های نادرست فلسفی از صفات حقیقی خدا در کتاب مقدس، بایستی بار دیگر آن‌ها را بازبینی و اصلاح کنیم. از آن‌جا که بنیان‌گذاران و مدافعان این مکتب مدعی هستند که نظریاتشان در سنت خداباوری و خداباوری سنتی ریشه دارد، با نگاهی تاریخی به این جنبش الهیاتی و بررسی مسیر پیدایش آن، صحت و سقم ادعای آن‌ها را ارزیابی می‌کنیم. برخی از الهی‌دانان و فلاسفه دین

* دانشجوی دکتری کلام؛ فلسفه دین و مسائل جدید کلامی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران،
ایران؛ m.abutalebi@yahoo.com

** استادیار گروه فلسفه دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)، rasoulipour@yahoo.com

*** استاد گروه فلسفه دانشگاه قم، moh_javadi@yahoo.com

**** دانشیار گروه فلسفه دین دانشگاه تهران، amir_alizamani@ut.ac.ir

***** دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه تهران، gelmi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۶

معاصر، خداباوری گشوده را از انواع خداباوری سنتی قلمداد می‌کنند، برخی دیگر آن را انحرافی در سنت خداباوری و برخی نیز آن را نوعی مکتب ارتدادی و بدعت‌آمیز می‌دانند که در سنت راست‌کیشی جایگاهی ندارد. به هر حال، هرچند زمان زیادی از آغاز این جنبش نمی‌گذرد توانسته است نظرها را، چه موافق چه مخالف، به خود جلب کند؛ تعداد بسیار زیاد مکتوباتی که در تأیید یا رد این مکتب نگاشته شده است، شاهد این مدعاست. بنابراین، جا دارد ما نیز با استفاده از منابع بسیار غنی خود در سنت فلسفی-کلامی اسلام و با شناخت کاملی از این دیدگاه، وارد عرصه بحث‌های جدید در حوزه الهیات و فلسفه دین شویم.

کلیدواژه‌ها: خداباوری گشوده، خداباوری سنتی، سنت نوافلاطونی، ذات و صفات خدا، کتاب مقدس.

۱. مقدمه

خداباوری (Theism)، اصطلاحی است که رالف کاد وورث (Ralph Cudworth) آن را نخستین بار در قرن هفدهم میلادی، برای توصیف و تبیین آموزه خدا مطرح کرد (Taliaferro, 2013: 1). خداباوری در معنای عام آن دیدگاهی است که خدا را یگانه خالق و مبقی جهان، واجب‌الوجود، عالم مطلق، قادر مطلق، خیر محض، سرمدی، بی‌زمان، تغییرناپذیر، انفعال‌ناپذیر و دارای حاکمیت مطلق بر جهان و مخلوقاتش می‌داند (آون، ۱۳۸۰: ۳۷). پیدایش انواع مختلف خداباوری، نتیجه وجود اختلاف‌هایی است که در تبیین و تفسیر برخی از صفات خدا وجود دارد.

مهم‌ترین علت شکل‌گیری دیدگاه خداباوری گشوده (Open Theism)، به عقیده مدافعان آن، این بوده است که بسیاری از آموزه‌های خداباوری سنتی، در فلسفه یونان، به‌ویژه فلسفه نوافلاطونی، ریشه دارند؛^۱ بنابراین، این آموزه‌ها را باید در بر اساس تعالیم کتاب‌های مقدس بازنگری و اصلاح کرد (Pinnock, 1994: 60). از جمله آموزه‌های مهمی که خداباوران گشوده به آن‌ها پرداخته و آن‌ها را نقد و بررسی کرده‌اند، عبارت‌اند از: عنایت و حاکمیت الهی، فعل خدا در جهان، علم پیشین خدا به افعال اختیاری انسان، بی‌زمان بودن خدا، انفعال‌ناپذیری و تغییرناپذیری خدا (Gardoski, 2011: 8). شایان ذکر است که در خداباوری گشوده اکثر صفات ذاتی خدا در خداباوری سنتی یا کلاسیک، کاملاً پذیرفته هستند؛ صفاتی مانند کمال مطلق، علم و حکمت مطلق، قدرت و اراده مطلق، خیرخواهی و

محبت محض. صفات فعلی مانند خلق از عدم و ... نیز از پیش فرض‌های خداباوری گشوده است.

به اعتقاد نظریه‌پردازان خداباوری گشوده، خدا مخلوقات خود را با قدرت مطلق آفرید و بر تمام آن‌ها نظارت و حاکمیت دارد. او با آزادی و اختیار تصمیم گرفت موجوداتی را خلق کند که بتوانند عشق و محبت خدا را تجربه کنند. خدا به ما عشق و محبت دارد و تمایل دارد انسان وارد یک ارتباط عاشقانه، دوسویه و متقابل با او شود و نیز اینکه با آزادی و اختیار خود برای برآورده کردن اهداف خدا، با او مشارکت کند. خدا همچنین اراده کرده است که برخی از افعالش متوقف بر درخواست‌ها و افعال انسان‌ها باشد. خدا حقیقتاً با مخلوقاتش دادوستد می‌کند و ارتباط و تعاملی پویا با آن‌ها دارد. خدای حکیم، عنایت کلی (general Providence) را انتخاب کرده است و نه عنایت جزئی، دقیق و موشکافانه (meticulous Providence). این در حالی است که به ما آزادی و اختیار عمل داده است. خدا نخواست است تمام جزئیات زندگی ما را کنترل کند. خدا به ما اختیار و آزادی عملی ارزانی داشته است که برای ارتباط عاشقانه با او لازم است. به‌رغم اینکه ما گاهی از آزادی‌مان سوءاستفاده کرده ایم و از عشق الهی روی گردانده ایم، خدا به مقاصدش وفادار مانده و به ما بی‌توجهی نکرده است. و در آخر اینکه خدا با علم مطلقش هر آنچه را به لحاظ منطقی امکان دانسته‌شدن دارد، می‌داند (drjohnsanders.com). خدا با علم مطلق و فراگیرش، حال و گذشته را می‌داند و البته به آینده این‌گونه علم دارد که بخشی از آینده، معین و محرز و در نتیجه، معلوم است و بخشی از آن نامعین و غیرقطعی و در نتیجه، نامعلوم (قابلیت دانسته‌شدن ندارد).

یکی از موارد چالش‌برانگیزی که خداباوران گشوده باید به آن پاسخ دهند، این است که چگونه می‌توان کمال محض خدا را با ارتباط‌مندی و رابطه‌تعاملی او با مخلوقات جمع کرد. محور این بحث نیز غالباً نظریه «زمان‌مندبودن خدا» است، زیرا ارتباط‌مندی خدا مستلزم این است که خدا همراه مخلوقاتش باشد و از طرف دیگر کمالات خدا مستلزم این است که خدا «غیر و جدای» از هرگونه ساختار انسانی باشد از جمله زمان و مکان (McGregor, 2005: 2).

در خداباوری سستی، همه بر صفاتی مانند انفعال‌ناپذیری و تغییرناپذیری، اتفاق نظر دارند (اجماع عام بر آن‌ها است) و این صفات، ناشی از کمال، بساطت و فارغ از زمان بودن (بی‌زمانی) خداوند هستند. اما در خداباوری گشوده عقیده بر این است که هرچند ذات خدا

تغییرناپذیر است، اراده خدا و مقاصد جزئی‌اش تغییرپذیر هستند و کمال خدا در تغییر متحقق می‌شود. در خداباوری سنتی، این باور که کمال در تغییرناپذیری و انفعال‌ناپذیری است، از سنت فلسفه یونان، به‌ویژه افلاطون نشئت گرفته است. کمال خداوند، به‌ویژه صفاتی مانند محبت و شفقت، اقتضا می‌کند که او بتواند همراه مخلوقاتش رنج بکشد و در نتیجه تغییرپذیر و انفعال‌پذیر باشد.

یکی از مجادلات بسیار مهم و گسترده میان حامیان خداباوری گشوده و مخالفان این دیدگاه، همواره این بوده است که آیا اساساً می‌توان خداباوری گشوده را یکی از انواع خداباوری سنتی (Traditional Theism) قلمداد کرد یا باید آن را در مقابل خداباوری سنتی و نوع جدید و بدیعی از خداباوری دانست؛ همان‌گونه که نورمن گیسلر (Norman Geisler) که یکی از منتقدان سرسخت خداباوری گشوده است، آن را «نوخداباوری» (Neotheism) نامیده است (Geisler, 1997: 11). حتی برخی پا را از این هم فراتر می‌گذارند و می‌گویند از آن‌جا که خداباوری گشوده منکر علم پیشین فراگیر خداست، دیدگاهی ارتدادی و بدعت‌آمیز (Heretical) است (Gardoski, 2011: 9).

خداباوری گشوده همانند خداباوری سنتی، به جهان‌بینی دوگانه‌انگارانه (Dualistic) معتقد است. جهان‌بینی، مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌هاست که شخص درباره ساختار بنیادین عالم دارد و اکثر جهان‌بینی‌ها به اینکه «اینجا چیزی هست» معتقدند نه اینکه «چیزی نباشد». یگانه‌انگاری (Monism) معتقد است فقط «یک‌چیز» اینجا هست؛ یا مادی یا غیرمادی. بنابراین، یگانه‌انگاری دیدگاهی متافیزیکی است که معتقد است واقعیت فقط شامل یک‌چیز است. یکی از اقسام و زیرمجموعه‌های جهان‌بینی یگانه‌انگارانه، طبیعت‌گرایی (Naturalism) است که می‌گوید آن یک‌چیز، مادی است؛ ماده، همه‌چیز بوده، همه‌چیز هست و همه‌چیز خواهد بود. طبیعت‌گرایان، به وجود خدا معتقد نیستند. یکی دیگر از اقسام جهان‌بینی یگانه‌انگارانه که در مقابل طبیعت‌گرایی قرار دارد و قسیم آن محسوب می‌شود، «همه‌خداانگاری» (Pantheism) است که معتقد است آن یک‌چیز، غیرمادی است. همه‌چیز، خداست (وحدت وجود) و خدا به‌عنوان موجودی غیر شخص‌وار و نامحدود، حقیقت (واقعیت) غایی است و مابقی چیزها، توهم است. طبیعت‌گرایان وجود خدا را قبول ندارند، اما «همه‌خداانگاران»، هر آن‌چه را غیر از خداست قبول ندارند. در طبیعت‌گرایی خدا نیست و فقط جهان هست اما در همه‌خداانگاری جهانی وجود ندارد و فقط خدا هست. خداباوری، برخلاف طبیعت‌گرایی و همه‌خداانگاری، هم وجود خدا و هم جهان را

می‌پذیرد. بنابراین، خداباوری، یک جهان‌بینی اساساً دوگانه‌انگارانه است (استیس، ۱۳۸۸: ۲۲۶). البته نکته‌ای که در این جا باید ذکر شود این است که میان دوگانه‌باوری (قول به ثنویت یا Dualism) و جهان‌بینی دوگانه‌انگارانه (Dualistic World View) تفاوت هست. مطابق دوگانه‌باوری، واقعیت به‌عنوان دو عامل (جزء) تقلیل‌ناپذیر به یکدیگر، بهترین تبیین را پیدا می‌کند.^۳ دوگانه‌باوران برای این‌که شر را به خدا نسبت ندهند، متعالی‌بودن خدا را فرومی‌پاشند و در این بین، تمایز خالق-مخلوق نیز از بین می‌رود. بنابراین، خداباوری، دوگانه‌باوری و قول به ثنویت نیست بلکه نوعی جهان‌بینی دوگانه‌انگارانه است.

۲. انواع خداباوری

بحث مهم در این جا این است که بر اساس نوع رابطه میان دوگانه «خدا - جهان»، انواع مختلفی از خداباوری شکل گرفته است. اختلاف هرکدام از این انواع خداباوری را باید در میزان و نحوه رابطه خدا و جهان جست‌وجو کرد. با ملاحظه رابطه خدا و جهان، در یک تقسیم‌بندی کلی و رایج می‌توان گفت که بر اساس جهان‌بینی دوگانه‌انگارانه، چهار نوع خداباوری وجود دارد:

۱. **دادار باوری (Deism)**؛^۴ اعتقاد به خدایی غایب است که در گذشته بسیار دور عالم را به حرکت درآورده و سپس آن را به حال خود رها کرده است (هیگ، ۱۳۸۱: ۲۴). بر اساس این نوع از خداباوری، خدا اساساً و از بنیان، متعالی از جهان است. خدا، جهان را فقط خلق کرده است و نه بیش‌تر. او جهان را خلق و مثل یک ساعت‌کوک کرده است تا به حرکت خودش ادامه دهد و بقا داشته باشد. خدا هیچ‌گونه مداخله‌ای از جمله انکشاف از طریق وحی و معجزه- در امور این جهان ندارد؛ خدا نه فعلی را در جهان اعمال می‌کند و نه عنایتی به جهان دارد؛ اعم از اینکه محبت و عشق به مخلوقات داشته باشد، مراقب و نگران آن‌ها باشد یا رابطه‌ای دوسویه یا حتی یک‌سویه با جهان داشته باشد. غیر از اینکه جهان، مخلوق خداست، خدا و جهان هیچ ارتباط دیگری با هم ندارند. در این نوع خداباوری، تنها راه شناخت و اثبات خدا، عقل و استدلال یا همان الهیات تکوینی و عقلانی (درمقابل الهیات وحیانی) است.

۲. **خداباوری کلاسیک (Classical Theism)**؛ مهم‌ترین ویژگی خداباوری کلاسیک^۵ این است که خدا با جهان رابطه‌ای یک‌سویه و یک‌جانبه دارد. این جهان است که به

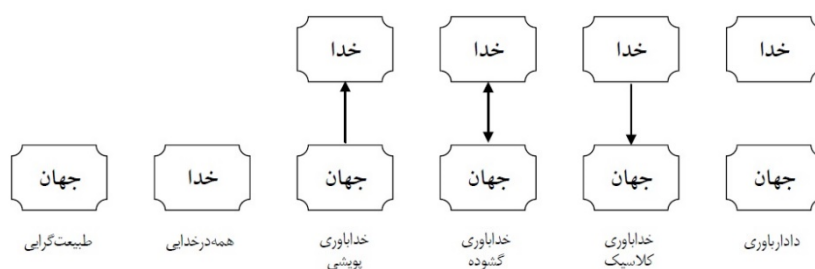
خدا احتیاج دارد و این نیاز، هم در خلقت جهان است و هم در بقا و ادامه حیات. در این دیدگاه، خدا موجودی شخص وار است که ضرورتاً (به ضرورت متافیزیکی و نه ضرورت منطقی) وجود دارد؛ قادر مطلق، عالم مطلق، خیرخواه محض، خالق مخلوقات از عدم است و می تواند یک جانبه و هرگونه که بخواهد در جهان مداخله کند (Rhoda, 2007: 301). خدا همچنین بسیط، انفعال ناپذیر، تغییر ناپذیر، مطلقاً غیر مقید و غیر مشروط به چیزی خارج از خودش، دارای احاطه و کنترل تام بر تمام رخدادها، ریسک (خطر) ناپذیر، بدون احساسات و غیرمسئول در مقابل مخلوقات است. رابطه خدا با جهان و مخلوقاتش رابطه ای کاملاً یک طرفه است و تمام مخلوقات تحت حاکمیت، خواست و اراده خدا عمل می کنند و هیچ رخدادی، تصادفی رخ نمی دهد.

۳. خدا باوری پویشی (Process Theism): این نوع خدا باوری، از دیدگاه های فلسفی آلفرد نورث وایتهد (۱۹۴۷ - ۱۸۶۱) و نظریات الهیاتی چارلز هارتشورن (۲۰۰۰ - ۱۸۹۷) سرچشمه می گیرد. در خدا باوری پویشی، بر «شدن» (becoming) تأکید می شود نه «بودن» (being) و این «شدن» درباره تمام واقعیات، و نیز خود خدا هم صدق می کند. خدا در این فرایند و شدن، به جهان نیاز دارد و این رابطه و نیاز یک طرفه است و به تعبیر رایج، جهان بدن خداست. وایتهد معتقد است همان طور که می توان گفت خدا می آفریند و حال در جهان است، می توان گفت جهان می آفریند و حال در خداست.

در خدا باوری پویشی، ذات خدا از دو بخش تشکیل شده است: ذات اصلی (Primordial) که انتزاعی، سرمدی و نامحدود است و تمام ممکنات را در بر می گیرد و ذات تبعی (Consequent) که متغیر، ناپایدار و انضمامی است و این ذات تبعی همان جهان است (Gardoski, 2011: 5). بسیاری از صفات خدا که در خدا باوری سنتی برای خدا ثابت است - از قبیل انفعال ناپذیری، تغییر ناپذیری، ضرورت و سرمدیت - به ذات اصلی و انتزاعی خدا مربوط می شود و در نتیجه، ذات تبعی و انضمامی خدا، تغییر پذیر و انفعال پذیر است. قدرت خدا قدرتی اقناعی (Persuasive) است و نه قاهرانه (Coercive)؛ بدین معنی که خدا اراده و خواست خودش را به انسان ها تحمیل نمی کند بلکه آن ها را به انجام دادن خواست خودش ترغیب می کند. هارتشورن برای خدا باوری پویشی، اصطلاح «همه در خدایی» (Pantheism) را نیز به کار می برد

(Taliaferro, 2010: 164). این اصطلاح را نخستین بار کارل کراوس (نقاد، نمایشنامه‌نویس و ناشر اتریشی) در قرن نوزدهم ابداع کرد (پیلین، ۱۳۸۳: ۲۳۸-۲۳۹). واضح است که «همه-در-خدایی» با «همه-خدایی» متفاوت است. «همه-خدایی»، به این معناست که خدا هرچیز است و هر چیز خداست اما «همه-در-خدایی»، یعنی اعتقاد به اینکه خدا همهٔ عالم را دربر دارد و بر همهٔ عالم سیطره دارد، به طوری که هر بخشی از آن در او موجود است اما (برخلاف همه-خدائنگاری) هستی او بیش از عالم است و با عالم تحلیل نمی‌رود (آون، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

۴. **خداباوری گشوده**: به اعتقاد نظریه‌پردازان خداباوری گشوده، خدا و جهان رابطه‌ای دوسویه (Reciprocal) و پویا (Dynamic) دارند و با هم در تعامل هستند. این گونه نیست که فقط خدا بر مخلوقات تأثیر می‌گذارد بلکه مخلوقات نیز می‌توانند خدا را تحت تأثیر قرار دهند (Pinnock et al., 1994: 15). خدا به خواست و ارادهٔ خودش جهانی را آفریده که در آن، انسان‌ها آزادی عمل و اختیار زیادی دارند (ibid: 159). خداباوری گشوده مدعی است که برداشت آن‌ها کاملاً منطبق بر کتاب مقدس و خداباوری سستی است (Belt, 2002: 4). آن‌ها معتقدند که باید برخی از صفات خدا در خداباوری کلاسیک را بر اساس کتاب مقدس بازبینی و اصلاح کرد؛ صفاتی مانند علم پیشین خدا به افعال اختیاری انسان، تغییر و انفعال‌ناپذیری خدا و فرازمانی بودن خدا. انواع مختلف خداباوری را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:



۳. تعریف و مؤلفه‌های خداباوری گشوده

خداباوری گشوده، نام یک جنبش، مکتب یا گرایش الهیاتی است که تصور نوینی از برخی صفات خدا و آموزه‌های مرتبط با آن‌ها عرضه می‌کند. طرفداران این رویکرد، ظاهراً

خودشان را انجیل باور (Evangelic) می‌دانند و خدا‌باوری گشوده را یکی از انواع خدا‌باوری سنتی قلمداد می‌کنند. خدا‌باوری گشوده، برخی تصورات سنتی دربارهٔ خدا را بسیار تغییر می‌دهد و این کار را نیز با بررسی مجدد و تعریف دوبارهٔ برخی صفات خدا انجام می‌دهد. به اعتقاد برخی بنیان‌گذاران خدا‌باوری گشوده، این رویکرد بر چهار رکن اصلی استوار است: ۱. عشق و محبت خدا به مخلوقاتش؛ ۲. ریسک‌پذیر بودن خدا؛ ۳. عنایت عام و کلی خدا (و نه عنایت موشکافانه و دقیق)؛ و ۴. آزادی اراده و اختیار مطلق انسان. تمام نظریات خدا‌باوری گشوده را می‌توان به نوعی با این ارکان مرتبط دانست. البته می‌توان رکن پنجمی هم به آن افزود: ارتباط تعاملی خدا با مخلوقات. هدفی که بانیان و حامیان خدا‌باوری گشوده به زعم خودشان داشتند این بود که به‌دنبال این بودند تا نگاه انسان‌ها را از خدایی انتزاعی و جبرمدار به سمت خدایی ارتباط‌مند و شخص‌وار تغییر دهند.

این رویکرد الهیاتی از سال ۱۹۹۴م، با انتشار کتاب *گشودگی خدا؛ چالشی مبتنی بر کتاب مقدس درباره فهم سنتی از خدا*^۷ رسماً اعلام موجودیت کرد. نویسندگان این کتاب که عبارت‌اند از: کلارک پیناک (Clark Pinnock)، ریچارد رایس (Richard Rice)، جان ساندرز (John Sanders)، ویلیام هاسکر (William Hasker) و دیوید بازینجر (David Basinger) نظریه‌پردازان اصلی و بانیان خدا‌باوری گشوده هستند. علاوه بر مکتوبات دیگری که این افراد دربارهٔ خدا‌باوری گشوده نگاشته‌اند، امروزه کتاب‌ها و مقالات بسیار زیاد و مهمی در بیان نظریات و دیدگاه‌های خدا‌باوری گشوده عرضه شده است.

دیوید بازینجر دربارهٔ نحوهٔ آغاز این جنبش می‌گوید:

اگرچه همهٔ الزامات الهیاتی-فلسفی مهم و اصلی که خدا‌باوران گشوده آن‌ها را پذیرفته‌اند، پیش از این خدا‌باوران دیگر پذیرفته بودند، چنینش و عرضهٔ این الزامات به شکلی خاص و تحت عنوان «خدا‌باوری گشوده» کاری نسبتاً جدید است (از سال ۱۹۹۴ میلادی). بنابراین، هم مدافعان و هم منتقدان آن، هنوز تلاش می‌کنند مفاهیم فلسفی - الهیاتی مورد بحث در آن را تبیین و بررسی کنند، بنابراین می‌توان درک کرد که چرا کسانی که برای اولین بار با خدا‌باوری گشوده مواجه می‌شوند دچار نوعی سردرگمی و آشفتگی می‌شوند. در اوایل دههٔ ۱۹۹۰ میلادی، کلارک پیناک، جان ساندرز، ریچارد رایس، ویلیام هاسکر و من، این دیدگاه را مطرح کردیم که ما از انگاره‌های رایج دربارهٔ خدا که در دسترس مسیحیان است، ناراضی و ناخشنود هستیم و همین باعث شد در سال ۱۹۹۴ در کتاب *گشودگی خدا* تلقی نوینی از برخی صفات خدا و رابطه‌اش با جهان، مطرح کنیم (Diller and Kasher, 2013: 263-264).

کلارک پیناک هم در این باره معتقد است:

ما این مدل [خداباوری گشوده] را در سال ۱۹۹۴ م عرضه کردیم. هدف ما این بود که انجیل‌باوران را بیشتر متوجه خدایی ارتباط‌مند و شخص‌وار کنیم نه خدایی انتزاعی و جبرمدار... اگر دوست دارید می‌توانید خداباوری گشوده را «شخص‌وارانگاری انجیلی» (Evangelical Personalism) بنامید. خداباوری گشوده اساساً یک الهیات مبتنی بر کتاب مقدس (Biblical Theology) است. طرفداران خداباوری گشوده تلاش می‌کنند خدا را از طریق خدای کتاب‌های مقدس درک کنند و به این نمی‌پردازند که خدا در برابر این جهان چگونه باید باشد. قرار نیست ما به خدا همچون شیء نگاه کنیم بلکه قرار است ارتباط‌مندی الهی (Divine Relationship) را ترویج کنیم (Pinnock, 2003: 5-6).

ریچارد رایس یکی دیگر از بنیان‌گذاران خداباوری گشوده می‌گوید:

دهه ۱۹۷۰ میلادی، شروع بازنگری فلاسفه انجیلی معروف در صفات سستی خدا برجسته بود. آن‌ها برخی از صفات خدا مانند تغییرناپذیری و بی‌زمانی را اصلاح یا حتی رد کردند. در دهه ۱۹۸۰ میلادی، کلارک پیناک و تعدادی از الهی‌دانان انجیلی، این قبیل صفات خدا را آشکارا نقد کردند. با انتشار کتاب گشودگی خدا در سال ۱۹۹۴ میلادی این بحث به شدت گسترش یافت (drjohnsanders.com).

۴. وجه تسمیه خداباوری گشوده

عنوان «خداباوری گشوده» از دو کلمه ترکیب یافته است: خداباوری (Theism) و گشوده‌بودن (open). همان‌گونه که بیان شد، خداباوری، عنوانی عام است و اقسامی دارد که نخستین بار در قرن هفدهم میلادی رالف کاد وورث آن را به کار برد. این اصطلاح، از واژه theos یونانی (یا deus لاتین) به معنی «خدا» مشتق شده است. اگر اصطلاح خداباوری بدون قید و به صورت مطلق به کار رود، خداباوری در معنای سستی آن مد نظر است؛ یعنی اعتقاد و باور به خدای شخص‌وار و یگانه‌ای که واجب‌الوجود، قائم بالذات، عالم مطلق، قادر مطلق، خیر محض، سرمدی، خالق و مبقی عالم است؛ همان خدای ادیان ابراهیمی (Taliaferro, at al. 2010: 225).

بحث اصلی در وجه تسمیه خداباوری گشوده، واژه «گشودگی» است. برای کاربرد این واژه، توجیحات و تحلیل‌های فراوان و مختلفی بیان شده است. پیناک معتقد است انتخاب این عنوان، به این دلیل بوده است که گشودگی (Openness) استعاره‌ای جالب و بدیع است

که یادآور مفهوم قلب گشوده خدا به سوی مخلوقاتش است (Pinnock, 2003: 1). او در ادامه، وجه تسمیه دیگری را نیز بیان می‌کند و می‌گوید:

هرچند خدا اهداف مشخصی در اداره جهان دارد، برای تحقق این اهداف، راه‌های باز و گشوده‌ای به کار می‌گیرد (Pinnock, 2003: 2).

ویلیام هاسکر در یکی از کتاب‌های خود، گشودگی را چنین معنا می‌کند:

خدا منزوی، بسته و خودمحصورکننده نیست بلکه نسبت به ما مخلوقاتش، نسبت به جهانی که خلق کرده است و نسبت به آینده، گشوده است. در عوض، لازم است ما هم نسبت به خدا و نسبت به آینده‌ای که او برای ما خلق می‌کند، گشوده باشیم. این‌ها مضامین اصلی خدا‌باوری گشوده هستند (Hasker, 2004: 97).

در عبارت «خدا‌باوری گشوده»، می‌توان دو معنا را برای گشودگی در نظر گرفت: ۱. گشودگی خدا (Open View of God)؛ ۲. گشودگی آینده (Open View of Future). گشودگی خدا به این معنی است که خدا آینده را قلمرو احتمالات و رخدادهای نامتعیین می‌داند. گشودگی آینده یعنی اینکه بخشی از آینده، نامتعیین، غیرقطعی و باز و گشوده است. «گشودگی خدا بدین معناست که خدا نسبت به تغییر وقایع و رخدادهای در روند تاریخ، گشوده است» (Pinnock, at al. 1994: 104).

برخی به جای اصطلاح «خدا‌باوری گشوده» از عبارت «الهیات گشوده» (Open Theology) استفاده می‌کنند برای مثال، توماس جی اورد (Thomas Jay Oord) که یکی از حامیان معروف خدا‌باوری گشوده است و کتاب‌ها و مقالات متعددی در دفاع از این دیدگاه منتشر کرده است، همین عبارت را به‌کار برده است.^۷ شایان ذکر است که هرچند غالب نظریه‌پردازان خدا‌باوری گشوده از عنوان «خدا‌باوری گشوده» استفاده کرده‌اند، در بحث ما، فرق زیادی میان عنوان «خدا‌باوری گشوده» و «الهیات گشوده» وجود ندارد و تنها تفاوتی که می‌توان به آن اشاره کرد، همان تفاوت رایج میان theism و theology است؛ در theism نوعی گرایش، باور و اعتقاد به وجود خدا نهفته است اما در theology صرفاً بحث شناخت خدا مطرح است و ممکن است باور و اعتقادی در آن وجود نداشته باشد.

موافقان و مخالفان، نام‌های دیگری نیز برای دیدگاه خدا‌باوری گشوده، به‌کار برده برده‌اند^۸ که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: خدا‌باوری مبتنی بر اختیار Free Relational Theism (Frame, 2001: 1)، خدا‌باوری مبتنی بر ارتباط‌مندی

(Sanders 1998, 12)، الهیات مبتنی بر گشودگی (Pinnock 2000, 9) Openness Theology، نوخدا باوری (خدا باوری نوین) (Geisler 1998, 1) Neotheism، آرمینیوس / وسلی گرایسی نوین (Pinnock 2003, 3) Arminianism / Neo Wesleyan، خدا باوری آزاد (Pinnock, 2005: 238) Evangelical Personalism، شخص‌وارانگاری انجیلی (Pinnock, 2003: 2).

۵. سیر خدا باوری گشوده از گذشته تا دوران معاصر

۱,۵ پیشینه‌های تاریخی (Historical antecedents)

هر گرایش الهیاتی که تغییرناپذیری و حاکمیت مطلق خدا را به حداقل ممکن برساند، به یک معنا، می‌تواند پیشینه‌ای برای خدا باوری گشوده باشد. تمام الهی‌دان‌ها و فلاسفه طرفدار خدا باوری گشوده، در کل می‌خواهند از دو نظریه حمایت و پشتیبانی کنند:

۱. سرنوشت این جهانی و سرنوشت جاودانی انسان عمدتاً (اگر نگوئیم کاملاً) به تصمیم‌های مختارانه خودش وابسته است.

۲. خدا به صورت ارادی تصمیم گرفته است خودش را تأثیرپذیر از مخلوقاتش نشان دهد تا انسان‌ها بتوانند بر او تأثیر مثبت یا منفی (خوب یا بد) بگذارند و با او برای معین کردن آینده خلقت مشارکت کنند.

اگرچه ادعا شده است که قبول الهی‌دانان بسیاری نظریه اول را پذیرفته‌اند، اغلب متفکران معروف مسیحی مثل آگوستین، آکویناس، لوتر و کالوین با آن مخالفت کرده‌اند.

تا قبل از دوران هگل (۱۸۳۱-۱۷۷۰ م)، که شاید بتوان او را مؤثرترین فیلسوف مدافع نظریه تغییرپذیری الهی در طی تاریخ دانست، کمتر کسی را می‌توان یافت که طرفدار نظریه دوم باشد. در واقع، صرف نظر از افراد، فقط سه مکتب فکری در عالم مسیحیت وجود داشته است که صراحتاً نظریه تغییرناپذیری الهی را رد کرده‌اند: آودیوس‌گراها (Audians)^۹، سوسینیوس‌گراها (Socinians)^{۱۰} و آرمینیوس‌گراها (Arminians) (Jowers, 2005: 4). توماس بلت از مدافعان خدا باوری گشوده، درباره تاریخ خدا باوری گشوده مطلب درخور توجهی دارد. او می‌گوید:

آیا خدا باوری گشوده ابتکار جدیدی از کلارک پیناک است یا بر اساس و برگرفته از الهیات پویشی است؟ هیچ‌کدام؛ نه پیناک و نه وایتهد هنوز به دنیا نیامده بودند زمانی که لورنزو

مک کاب (متدیست معروف) در یک‌چهارم آخر قرن نوزدهم از دیدگاه گشوده حمایت کرده بود و متدیست‌ها را درگیر این موضوع کرده بود؛ یا زمانی که بیلی هابارد انجیل‌گرا یا آدام کلارک مفسر انجیل، از نظریه آینده گشوده، جانب‌داری می‌کردند. هیچ‌کس کالسیدوس (الهی‌دان مسیحی قرن پنجم) را به بدعت‌گذاری و ارتداد متهم نمی‌کند، درحالی‌که او در حمایت از دیدگاه گشوده دقیقاً عبارت‌هایی را به‌کار می‌برد که امروزه خدا‌باوران گشوده آن‌ها را اثبات می‌کنند (Belt, 2002: 20).

۲,۵ دوره شکل‌گیری (formative period)

این دوره از تاریخ خدا‌باوری گشوده به سال‌های ۱۹۸۰ میلادی تا حدود سال ۱۹۹۴ میلادی برمی‌گردد. در بخش قبلی، پیشینه پیشاهنگی خدا‌باوری گشوده به‌اختصار بیان شد. در دوره پساهنگی یعنی حدود سال‌های ۱۹۸۰-۱۸۳۱ میلادی، نپذیرفتن صفات تغییرناپذیری و انفعال‌ناپذیری خدا رایج شده بود. باین حال تعداد کمی از الهی‌دانان و فلاسفه بودند که با ادعای بحث‌برانگیز خدا‌باوری گشوده مبنی بر اینکه «خدا فاقد علم فراگیر و تام و تمام به آینده است»، آشکارا موافق باشند.

درواقع، در سرزمین‌های انگلیسی‌زبان، تا قبل از انتشار کتاب ریچارد رایس^{۱۱} در سال ۱۹۸۰ میلادی، فقط افراد زیر بودند که در آثارشان «علم فراگیر خدا به آینده» را رد کرده بودند (البته جز خدا‌باوران پویشی): ال. دی. مک کاب در کتاب *عدم علم خدا به ممکنات استقبالی*^{۱۲} و کتاب *علم پیشین خدا*^{۱۳}، گوردون اولسن در کتاب *علم پیشین خدا*^{۱۴} و کتاب *علم مطلق الهی*^{۱۵}، جی. آر. لوکاس در کتاب *آزادی اراده*^{۱۶}، پتر گیچ در کتاب *عنایت الهی و مسئله شر*^{۱۷} و ریچارد سوئین‌برن در کتاب *انسجام خدا‌باوری*^{۱۸}.

دیدگاه خدا‌باوری گشوده، با انتشار کتاب ریچارد رایس با عنوان *گشودگی خدا: ارتباط علم پیشین خدا و اختیار انسان* در سال ۱۹۸۰، نسبتاً رواج یافت. از زمان انتشار این کتاب تا سال ۱۹۹۴، شش شخص معروف بودند که در دفاع از خدا‌باوری گشوده کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشتند: خود ریچارد رایس، کلارک پیناک، ویلیام هاسکر، دیوید بازینجر، گریگوری بوید و جان ساندرز. یکی از کتاب‌های بحث‌برانگیز را ویلیام هاسکر با عنوان *خدا، زمان و علم*^{۱۹} در سال ۱۹۸۹ نگاشت.

در این مدت، جز برخی فلاسفه و الهی‌دانان تیزبین، غالب جامعه انجیل‌گرایان از دیدگاهی با عنوان خدا‌باوری گشوده بی‌اطلاع بودند (Jowers, 2005: 5).

۳,۵ دوره مجادلات (The Period of Controversy)

این بخش از تاریخ خداباوری گشوده، از سال ۱۹۹۴ میلادی آغاز می‌شود و تاکنون نیز ادامه دارد. در سال ۱۹۹۴، با انتشار کتاب *گشودگی خدا؛ چالشی مبتنی بر کتاب مقدس درباره فهم سنتی از خدا*^{۲۰} که مقالاتی از رایس، ساندرز، پیناک، هاسکر و بازینجر را شامل می‌شود، خداباوری گشوده کاملاً علنی شد. چاپ و انتشار این کتاب در ایالات متحده و انگلستان با اقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد و آتش مجادلات را روشن کرد و نقدهای بسیاری نیز در باب آن نوشته شد. یکی از این آثار، کتاب آر. کی. مک گرگور رایت با عنوان *هیچ جا برای حاکمیت الهی؛ اشتباه خداباوری مبتنی بر اراده آزاد*^{۲۱} در سال ۱۹۹۶ بود. اما در همین سال، دیوید بازینجر کتاب *دفاعی از خداباوری مبتنی بر اراده آزاد: ارزیابی فلسفی*^{۲۲} را در دفاع از خداباوری گشوده منتشر کرد.

در سال ۱۹۹۷، نورمن گیسلر کتاب *خلق خدا، به صورت انسان*^{۲۳} را در پاسخ به خداباوری گشوده نگاشت. در همین سال، گرگوری بوید نیز کتاب دیگری در حمایت از خداباوری گشوده با عنوان *خدا در حال نبرد: کتاب مقدس و ستیزی معنوی*^{۲۴} نوشت؛ او در این کتاب، خداباوری گشوده را قطعه‌ای (نمایشی) اصلی از یک تئودیسۀ جذاب در نظر می‌گیرد.

سپس در سال ۱۹۹۸، جرالِد بری، در پاسخ به خداباوری گشوده کتاب مختصری با عنوان *خدای شخص‌وار*^{۲۵} نگاشت که جان ساندرز با دفاعی محکم و مفصل از خداباوری گشوده و در پاسخ به این کتاب، کتاب «*خدایی که ریسک می‌کند؛ الهیات مبتنی بر عنایت الهی*»^{۲۶} را منتشر کرد. در سال ۲۰۰۰، دفاعیۀ دیگری از خداباوری گشوده را با عنوان *محرک‌ترین محرک: الهیاتی مبتنی بر گشودگی خدا*^{۲۷}، کلارک پیناک به رشته تحریر درآورد. گرگوری بوید نیز کتاب *خدای امکان: مقدمه‌ای مبتنی بر کتاب مقدس برای خداباوری گشوده*^{۲۸} را منتشر کرد. اما در همین سال، بروس ویر کتابی بسیار تأثیرگذار در نقد خداباوری گشوده نوشت با عنوان *شکوه کمتر خدا؛ خدای کوچک‌شده خداباوری گشوده*^{۲۹}.

در سال ۲۰۰۱، مسیر بحث‌ها ظاهراً بیشتر به نفع خداباوری کلاسیک بود. در همین سال، گرگوری بوید کتاب دیگری با عنوان *شیطان و مسئله شر*^{۳۰} نگاشت. در مقابل، دو کتاب مفصل هم در نقد خداباوری گشوده منتشر شد؛ یکی از آن‌ها، کتاب *خدای دیگری*

نه: پاسخی به خدا‌باوری گشوده^{۳۱} اثر جان فریم بود و کتاب دیگر پیکاری برای خدا: پاسخ به چالش نو‌خدا‌باوری^{۳۲} اثر مشترک نورمن گیسلر، واین هاوس و ماکس هررا. در اجلاس سالانه انجمن الهیاتی - انجیلی در سال ۲۰۰۱، اعضای انجمن قطعنامه زیر را با اکثریت آرا به تصویب رساندند: «تصویب شد که: ما معتقدیم کتاب مقدس آشکارا می‌آموزد که خدا علم کامل، دقیق و خطاناپذیر به تمام حوادث و رویدادهای گذشته و حال و آینده دارد و از جمله، تصمیمات و افعال مختارانه انسان»^{۳۳}.

در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳، کشمکش و نزاع همچنان ادامه یافت که به انتشار دو مجلد مجموعه مقالات در نقد خدا‌باوری گشوده انجامید: کتاب خدا زیر آتش: دانش مدرن خدایی نو خلق کرده است^{۳۴} اثر داگلاس هافمن و اریک جانسون؛ و دیگری کتاب فراتراز محدودیت‌ها: خدا‌باوری گشوده و تضعیف مسیحیت مبتنی بر کتاب مقدس^{۳۵} اثر جان پایپر، راستین تیلور و پل هلش. این در حالی است که طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۴ فقط یک کتاب مفصل در دفاع از خدا‌باوری گشوده چاپ شد با عنوان آیا خدا مقصر است؟ فراتراز پاسخ‌های مسئله شر^{۳۶} اثر گرگوری بوید در سال ۲۰۰۳، که می‌توان این کتاب را نوعی ساده‌سازی همان کتاب شیطان و مسئله شر دانست.

در گردهمایی سالانه انجمن الهیاتی-انجیلی در سال ۲۰۰۲، راجر نیکول، دو نفر از بزرگان خدا‌باوری گشوده یعنی کلارک پیناک و جان ساندرز را متهم کرد که نظریه بی‌خطابودن کتاب مقدس را به دلیل دفاع از خدا‌باوری گشوده تکذیب می‌کنند و این کار آن‌ها تخلفی است که ممکن است به اخراج یک نفر از انجمن منجر شود. مطابق با قوانین وضع شده در انجمن، اعضای گردهمایی رأی دادند که این اتهامات به کمیته اجرایی انجمن ارجاع شود. چند ماه بعد، کمیته اجرایی انجمن از پیناک و ساندرز خواست تا دلایل محکمی برای نظریاتشان بیاورند. نتیجه حاصل از این اقدامات این بود که کمیته اجرائی انجمن با رأی گیری به‌عمل آمده (۹ رأی در برابر ۰) پیناک را تبرئه و (۷ در برابر ۲) ساندرز را محکوم کردند (Jowers, 2005: 5-7).

هرچند همه اعضای کمیته اجرایی با این موافق بودند که تلقی ساندرز از بی‌خطابودن کتاب مقدس با تلقی بزرگان این انجمن، ناسازگار است، دو نفر از اعضا استدلال کردند که چون انجمن رسماً تعریفی از «بی‌خطایی» ارائه نکرده است، غیرمنصفانه خواهد بود اگر یکی از عضوهای انجمن را به این دلیل که تفسیری غیرمتعارف اتخاذ کرده است، اخراج شود (ibid).

در سال ۲۰۰۳ و در گردهمایی سالانه انجمن نیز بار دیگر، درباره اتهامات علیه پیناک و ساندرز بحث و گفت‌وگو مفصلی درگرفت. از آن‌جا که پیناک برخی از اظهارات منتشرشده‌اش را کنار گذاشته بود، اعضا (بر اساس پیشنهاد کمیته اجرایی)، او را از اتهام «نفی بی‌خطابودن کتاب مقدس» تبرئه کردند اما وضعیت ساندرز بحث‌برانگیزتر شد. بعد از بحث و تبادل نظر طولانی درباره ساندرز، ۶۲/۷٪ اعضا به اخراج او رأی دادند؛ یعنی اندکی کمتر از دوسوم اکثریت آراء که اگر به دوسوم آراء می‌رسید وی می‌بایست اخراج می‌شد. همان‌طور که انتظار می‌رفت این نتیجه رأی‌گیری باعث شد تعداد زیادی از اعضای انجمن بسیار دلخور شوند؛ حتی نورمن گیسلر - رئیس پیشین انجمن - استعفا داد (ibid).

در آخرین جلسه از گردهمایی سال ۲۰۰۳، ال. راس بوش (از حوزه الهیاتی باپتیسیت جنوبی) پیشنهاد کرد که کمیته اجرایی انجمن، برای توضیح و تبیین نظریه بی‌خطابودن کتاب مقدس، مطابق تلقی انجمن اقدام کند تا در آینده شاهد اتفاقات مشابه نباشند. اکثریت قاطع اعضای انجمن با این طرح موافقت کردند (ibid).

در اگوست سال ۲۰۰۴، قرار شد امکانات لازم برای تبیین و توضیح دیدگاه انجمن بررسی شود. کمیته اجرائی قطعنامه زیر را در گردهمایی سالانه در نوامبر سال ۲۰۰۴ پیشنهاد کرد: «دفاع از نظریه بی‌خطابودن کتاب مقدس متکی است بر اعتماد مطلق به خدا و گواهی کتاب مقدس بر خودش. تلقی صحیح از نظریه بی‌خطابودن کتاب مقدس، باید سیاق ادبی، قصد و نیت و لسان کتاب مقدس را لحاظ کند. ما آن دسته از رویکردها به کتاب مقدس را که این مطلب (که ادعاهای صادقانه کتاب مقدس بر پایه حقیقت بنا شده‌اند) را نفی می‌کنند، نمی‌پذیریم». اعضای انجمن با این قطعنامه موافقت کردند (ibid).

جان ساندرز درباره اتهامات وارد بر خدااباوری گشوده می‌گوید:

آلبرت مولر رئیس انجمن باپتیسیت جنوبی مدعی است که خدااباوری گشوده بسیاری از نظریات پایه مسیحیت را سست و رد می‌کند. مولر، گیسلر و جان پایپر ادعا می‌کنند که ایمان مسیحی بر مبنای دیدگاه خاصی که همان خدااباوری کلاسیک باشد، شکل گرفته است. اما این ادعای آن‌ها به سه دلیل اشتباه است. اولاً، خدااباوری کلاسیک، عیناً همان خدااباوری کلاسیک نیست. ثانیاً، خدااباوری گشوده، مسیحیت مطلق و سنتی (نه کلاسیک) را تأیید می‌کند و ثالثاً، خدااباوری کلاسیک غالباً به‌عنوان تنها دیدگاه سنتی درباره خدا توصیف می‌شود که این‌گونه نیست زیرا دیدگاه‌های سنتی دیگری هم وجود دارد (drJohnSanders.com).

توماس بلت که از مدافعان درجه اول خداباوری گشوده است، در مقاله مهم خود اینگونه می نویسد:

برخی از انجیل‌گرایان محافظه‌کار افراطی، خواسته‌اند خداباوری گشوده را از خانواده گسترده انجیل‌گرایان بیرون نگه دارند. درمقابل، سه نفر به نام‌های راجر اولسون، جان‌تان ویلسون و استنلی گرتز سندی تنظیم کردند که به امضای ۱۱۰ نفر از عالمان انجیل‌گرا هم رسید مبنی بر اینکه انجیل‌گرا بودن سه شرط دارد و هر مکتب و فردی این سه شرط را بپذیرد، انجیل‌گرا است: خداوندی عیسی مسیح، حجیت کتاب مقدس، حقیقت داشتن تولد دوباره (Belt, 2002: 20).

خداباوری گشوده در سال‌های اخیر دچار نوعی پسرفت شده است؛ به‌ویژه درون انجمن الهیاتی - انجیلی، اما اصلاً از بین نرفته است. اشتیاقی که الهی‌دانان و فلاسفه به مختار بودن انسان دارند، هرگز کاسته نمی‌شود. در ضمن، فرهنگ ضد تحکمی حاکم بر غرب معاصر، شرایط ایدئالی را برای شکوفایی خداباوری گشوده فراهم کرده است. به قول اسکات اولیفینت (Scott Oliphint)، «هر دیدگاهی که خدایی خدا را - و از جمله، حاکمیت مطلقش بر مخلوقات را - تقلیل دهد یا کوچک کند، مستقیماً (اگرچه نامحسوس) برای قلوب گناهکار ما جذابیت دارد» (Jowers, 2005: 7).

۶. موافقان و مخالفان خداباوری گشوده

موافقان خداباوری گشوده را می‌توان در سه گروه جای داد؛

۱. گروه اول، متشکل است از بنیان‌گذاران و مدافعان طراز اول خداباوری گشوده که آشکارا خود را معتقد به این دیدگاه می‌دانند و سعی می‌کنند آن را ترویج کنند؛ کلارک پیناک، ریچارد رایس، جان ساندرز، ویلیام هاسکر، دیوید بازینجر، توماس جی اورد، گریگوری بوید، آلن رودا، توماس بلت، ترنس فردایم از جمله معتقدان به این دیدگاه هستند.

۲. گروه دوم، به لحاظ زمانی، متقدم بر گروه اول و زمینه‌سازان خداباوری گشوده هستند که در آثار آن‌ها می‌توان اشاره‌هایی را در تأیید نظریات این دیدگاه مشاهده کرد. افراد معروف این گروه عبارت‌اند از: یاکوب آرمینیوس (۱۶۰۹-۱۵۶۰)، جان وسلی (۱۷۰۳-۱۷۹۱)، ریچارد واتسون (۱۸۱۶-۱۷۳۷)، آدام کلارک (۱۸۳۲-۱۷۶۰) و

ال. دی. مک کاب (۱۸۹۷-۱۸۱۷).

۳. گروه سوم، متأخرانی هستند که دیدگاه‌هایی مشابه خداباوری گشوده دارند؛ به عبارت دیگر، یا مستقیماً برخی از نظریات خداباوری گشوده را پذیرفته‌اند یا دیدگاه‌هایی مشابه خداباوری گشوده دارند (Oord, 2009: 6)؛ هرچند ممکن است نامی از این دیدگاه هم نبرده باشند. افرادی مانند: یورگن مولتمان، جان پاکینگهورن، ریچارد سوئین‌برن، کیث وارد، پیتز گیچ، جی آر لوکاس، دین زیمرمن، نیکلاس ولترستورف، وینسنت برومر و ریچارد کریل.

خداباوری گشوده مانند گرایش‌های الهیاتی دیگر، از زمان پیدایش همواره مخالفان و منتقدانی داشته است. مخالفان و منتقدان خداباوری گشوده، دو گروه هستند:

افرادی که در برخی نظریات و دیدگاه‌ها، با خداباوری گشوده مخالف هستند و سعی کرده‌اند در قالب و رویکرد علمی، این نظریات و دیدگاه‌ها را به نقد بکشند اما درعین حال، خداباوری گشوده را به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از الهیات سنتی قبول دارند. به عبارت دیگر، مخالفت و نقد آن‌ها فقط جنبه علمی دارد نه جنبه ایدئولوژیک و عقیدتی. از معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: بروس ویر، جان فریم، جان پایپر، ویلیام کریگ، توماس فلینت و دیوید هانت.

گروه دوم کسانی هستند که از اساس با خداباوری گشوده مشکل دارند و این گرایش را خارج از حیطه خداباوری سنتی می‌دانند؛ افرادی مانند نورمن گیسلر که اصطلاح نوخداباوری را به کار می‌برد و معتقد است اگرچه خداباوری گشوده دیدگاهی ارتدادی نیست، انحراف^{۳۷} نظری مهمی از خداباوری سنتی قلمداد می‌شود و به لحاظ منطقی، ناسازوار و نامنسجم است (Geisler, 1998: 1-2). حتی برخی پا را از این هم فراتر می‌گذارند و می‌گویند خداباوری گشوده، دیدگاهی ارتدادی و الحادی (heretical) است (Gardoski, 2011: 9).

۷. نتیجه‌گیری

خداباوری گشوده، گرایشی نوظهور در حوزه الهیات و خداباوری و — به‌طور خاص در عرصه نظریات مربوط به عنایت الهی — است که رسماً از سال ۱۹۹۴ میلادی شروع به فعالیت کرده است. این گرایش هرچند اولاً و بالذات گرایشی الهیاتی در مسیحیت است،

برای پذیرش مبانی و نظریات اصلی آن، نیازی نیست حتماً به مسیحیت اعتقاد داشت. بنیان‌گذاران و حامیان خداباوری گشوده، ریشه این گرایش را برخی الهی‌دانان و متفکران سنتی‌ای مانند آرمینیوس و وسلی می‌دانند و مدعی‌اند که خداباوری گشوده، دیدگاهی انجیلی (evangelic)، راست‌کیش (orthodox) و مبتنی بر سنت مسیحی است. آن‌ها غالب صفات سنتی خدا را تام و تمام می‌پذیرند اما معتقدند برخی از صفات خدا تحت تأثیر و نفوذ فلاسفه - به‌ویژه سنت نوافلاطونی - دچار تحریف و سوء برداشت شده‌اند؛ از آن جمله‌اند صفاتی مانند بساطت، تغییرناپذیری، انفعال‌ناپذیری، بی‌زمانی و علم پیشین خدا. خداباوران گشوده معتقدند در طول تاریخ، از زمان آبابی کلیسا تا زمان حال، بوده‌اند کسانی که سعی کرده‌اند دخل و تصرفات نادرست و نامناسب فلسفه در الهیات را شناسایی کنند و تا حد امکان آن‌ها را از خداباوری راستین بپیرایند، اما متأسفانه، این امر محقق نشد تا نوبت به خداباوری گشوده رسید. بنا به اظهار نظر یکی از حامیان خداباوری گشوده، سعی و هدف این دیدگاه این است که تلقی‌ای از رابطه خدا و مخلوقاتش ارائه دهد که از لحاظ کتاب مقدس، درست و مقبول، از نظر معیارهای فلسفی، سازوار و متقاعدکننده و از نظر وجودشناختی نیز تام و تمام باشد.

هرچند مدافعان خداباوری گشوده مدعی هستند که آراء و نظریاتشان کاملاً بر کتاب مقدس مبتنی و مستند است، با مطالعه و بررسی آثار خداباوران گشوده، می‌توان دریافت که این گرایش، گرایشی صرفاً الهیاتی نیست بلکه در بسیاری موارد سعی می‌کند نظریاتشان را در قالب بحث‌ها و استدلال‌های فلسفی مطرح کنند. یکی از بحث‌های مهم فلسفی در خداباوری گشوده، بحث درباره علم پیشین خداست؛ آن‌ها معتقدند، علم پیشین خدا به بخشی از آینده (که مشتمل بر افعال اختیاری انسان است) تعلق نمی‌گیرد. حال، این تعلق‌نداشتن، یا به علت نبود امکان منطقی آن است یا به این علت است که خود خدا خواسته چنین علمی نداشته باشد. در هر صورت، تأکید بسیار زیاد خداباوری گشوده بر اختیار و آزادی مطلق انسان باعث شده است به آن، عنوان «خداباوری مبتنی بر اراده آزاد» بدهند. همچنین این خداباوری به دلیل برجسته کردن ماهیت ارتباط‌مند خدا در کتاب مقدس، به «خداباوری مبتنی بر ارتباط» معروف شده است.

شایان ذکر است که این جنبش نوپای الهیاتی - فلسفی، هرچند در ابتدای راه قرار دارد، توانسته است توجه بسیاری از متفکران و نظرات - موافق یا مخالف - را به خود جلب کند. الهی‌دانان و فلاسفه دین‌مشهوری، نظریات خداباوری گشوده را پذیرفتند. از طرف دیگر

انتقادهای منصفانه و بعضاً تندوتیزی نیز از این جنبش شد تا جایی که برخی آن را نوعی انحراف و کژروی از سنت مسیحیت دانستند و عنوان «نوخداباوری» را برای آن مناسب‌تر یافتند. انتقادهای از خداباوری گشوده به همین جا ختم نشد، بلکه در محافل و انجمن‌های دینی مسیحیت، حتی به آن‌ها اتهام ارتداد و بدعت‌گذار هم زده شد.

به نظر می‌رسد تمام نظریات خداباوری که در غرب مطرح شده است و از جمله خداباوری گشوده، قوت‌ها و ضعف‌هایی دارند، زیرا هیچ‌کدام از آن‌ها نتوانسته‌اند یک نظام سازوار فلسفی-الهیاتی جامع و مانع را عرضه کنند. تعدد و اختلاف‌های موجود در مکاتب و نظریات سنت الهیاتی - فلسفی غرب درباره آموزه خدا، می‌تواند شاهد خوبی برای این ادعا باشد. اما در مقابل، سنت فلسفی - الهیاتی اسلام که برگرفته از قرآن کریم و روایات غنی است، توانسته است دیدگاهی بسیار منسجم و مستدل درباره آموزه خدا و رابطه خدا با جهان مخلوقات عرضه کند. هرچند میان برخی دیدگاه‌ها، اختلاف‌هایی هم وجود دارد، این اختلاف‌ها هرگز به وسعت و عمق اختلاف‌های مکاتب الهیاتی غرب نیست. خداباوری گشوده مدعی است که دیدگاهی را درباره خدا عرضه کرده است که انسان امروز به لحاظ عملی می‌تواند از آن در زندگی روزمره‌اش بهره گیرد و با استفاده از آن مسائلی مانند مسئله شر و آزادی و اختیار انسان را حل کند. اما حتی اگر این ادعا درست باشد و به لحاظ عملی بتوان خداباوری گشوده را توجیه کرد، این دیدگاه به لحاظ نظری و استدلالی با چالش‌های بسیار جدی و مهمی روبه‌روست که پذیرش کامل این رویکرد را دچار مشکل می‌کند.

پی‌نوشت

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری در رشته کلام؛ فلسفه دین و مسائل جدید کلامی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران است.
۲. اینکه سنت الهیاتی غرب تحت تأثیر فلسفه یونان بوده، برای خداباوری گشوده، پیش‌فرض نیست بلکه در جاهای گوناگون برای آن استدلال آورده شده است.
۳. دوگانه باوری به سه دسته تقسیم می‌شود: متافیزیکی (ذهن و ماده، Mind and Matter)، معرفت‌شناختی (ایده و عین، Idea and Object) و اخلاقی (خیر و شر، Good and Evil).
۴. برخی این اصطلاح را به «خداباوری طبیعی» ترجمه می‌کنند.
۵. حامیان خداباوری گشوده، میان «خداباوری سنتی» و «خداباوری کلاسیک» تمایز قائل می‌شوند. به اعتقاد آن‌ها خداباوری کلاسیک - که نخستین بار چارلز هارتشورن این اصطلاح را به کار برد

(Hartshome & Reese, 2000: 2) - یکی از انواع خداباوری سستی است. البته هدف آن‌ها بیشتر این بوده است تا جایی را برای خداباوری گشوده میان انواع خداباوری سستی باز کنند و خداباوری گشوده را قسمی برای خداباوری کلاسیک در نظر گیرند. منظور از خداباوری کلاسیک، خداباوری‌ای است که در سیر تاریخی فلسفه و الهیات از فیلون اسکندرانی و آباي کلیسا مانند آگوستین آغاز می‌شود و تا قرون وسطی و افراد مشهوری مانند ابن‌میمون در یهودیت، غزالی در اسلام و آکویناس در مسیحیت ادامه می‌یابد و به کسانی مانند کالوین، آرمینیوس و وسلی ختم می‌شود (drjohnsanders.com).

6. *The Openness of God: A Biblical Challenge to the Traditional Understanding of God.*

7. Oord, Thomas Jay (2009). *Creation Made Free; Open Theology Engaging Science*, Wipf and Stock Publishers.

۸. البته برخی از این عناوین، جامع و مانع نیستند و ممکن است تعابیر دقیقی از معنوی خود نداشته باشند.

۹. فرقه‌ای از مسیحیان و پیرو آودیوس راهب اهل سوریه در قرن چهارم میلادی بودند. آودیوس به انسان‌وارانگاری خدا معتقد بود و این‌که که خدا ویژگی‌های انسانی دارد. او به آیه‌ای از سفر پیدایش استناد می‌کرد که بیان می‌کند خدا انسان را به صورت خودش آفرید. خدا به دلیل همین صفات انسانی، علم پیشین فراگیر به آینده ندارد. این فرقه، زیاد دوام نیاورد.

۱۰. نام این فرقه برگرفته از فاستوس سوسینوس (۱۶۰۴-۱۵۳۹ م) فیلسوف و الهی‌دان مسیحی است. اعتقاد اصلی آن‌ها این بود که مسیح صرفاً یک انسان است و جنبه الهی ندارد. آن‌ها بساطت، تغییرناپذیری و علم پیشین فراگیر خدا را به آینده انکار می‌کردند. این فرقه بعد از رونقی که در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی پیدا کرد، به تدریج از میان رفت و امروزه در میان مسیحیان پیروانی ندارد.

11. Rice, Richard. *"The Openness of God: The Relationship of Divine Foreknowledge and Human Free Will"*. Nashville: Review & Herald, 1980.

12. McCabe, Lorenzo Dow. *"Divine Nescience of Future Contingencies a Necessity, Being an Introduction to 'The Foreknowledge of God and Cognate Themes'"*. New York: Phillips and Hunt, 1882.

13. *The Foreknowledge of God and Cognate Themes in Theology and Philosophy*, Cincinnati: Cranston and Stowe, 1887.

14. Olson, Gordon. *"The Foreknowledge of God"*. Arlington Heights, IL: The Bible Research Corporation. 1941.

15. *The Omniscience of the Godhead*, Arlington Heights, IL: The Bible Research Corporation. 1972.
16. Lucas, J. R. “*The Freedom of the Will*”. Oxford: Clarendon Press, 1970.
17. Geach, Peter.” *Providence and Evil*”, Cambridge: Cambridge University Press, 1977.
18. Swinburne, Richard.” *The Coherence of Theism*”. Revised Edition. Oxford: Clarendon Press, 1993.
19. William, Hasker. “*God, Time, and Knowledge*”, Cornell Studies in the Philosophy of Religion. Cornell University Press, 1989.
20. Pinnock, Clark, Richard Rice, John Sanders, William Hasker and David Basinger.”*The Openness of God: A Biblical Challenge to the Traditional Understanding of God*”. Downers Grove: Intervarsity Press. 1994.
21. Wright, R. K. McGregor. “*No Place for Sovereignty; What’s Wrong with Free Will Theism*”, IVP, 1996.
22. Basinger, David. “*The Case for Freewill Theism: A Philosophical Assessment*”. Downers Grove, IL: IVP, 1996
23. Geisler, Norman. “*Creating God in the Image of Man?*”. Bethany, 1997.
24. Boyd, Gregory. “*God at War: The Bible and Spiritual Conflict*”. Downers Grove: IVP, 1997.
25. Bray, Gerald. “*The Personal God*”. Paternoster, 1998.
26. Sanders, John. “*The God Who Risks: A Theology of Providence*”. IVP, 1998.
27. Pinnock, Clark H. “*Most Moved Mover: A Theology of God’s Openness*”. Grand Rapids: Baker Academic, 2000.
28. Boyd, Gregory A. “*God of the Possible: A Biblical Introduction to the Open View of God*”. Grand Rapids: Baker Book House, 2000.
29. Ware, Bruce. *God’s Lesser Glory; The Diminished God of Open Theism*. Crossway Books, 2000.
30. *Satan and the Problem of Evil: Constructing a Trinitarian Warfare Theodicy*, Downers Grove: InterVarsity Press, 2001.

31. Frame, John. "No Other God: A Response to Open Theism". Presbyterian and Reformed, 2001.
32. Geisler, Norman and House, Wayne. "The Battle for God; Responding to the Challenge of Neotheism". Kregel. 2001.
۳۳. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره اتفاقات سال ۲۰۰۱ در این انجمن، می‌توانید به پایگاه اینترنتی www.etsjets.org مراجعه کنید.
34. Huffman, Douglas and Johnson, Eric. eds. "God Under Fire; Modern Scholarship Reinvents God". Grand Rapids, MI: Zondervan, 2002.
35. Piper, John. ed. Beyond the Bounds: "Open Theism and the Undermining of Biblical Christianity. Chicago: Crossway", 2003.
36. Boyd, Gregory A. "Is God to Blame? Beyond Pat Answers to the Problem of Evil", IVP, 2003.
۳۷. تعریف فرقه‌ها و مکتب‌های منحرف (بدعت‌ها) در مسیحیت: بدعت یا فرقه منحرف، هر گروه مذهبی ای را می‌گویند که در یک یا چند مورد، اعتقادشان با اعتقادات اساسی سنت مسیحی مغایرت داشته باشد. تعریف دیگر فرقه منحرف چنین است: گروهی از مردم که به دور شخص معینی یا تعبیرات و تفسیرهای غلط از کتاب مقدس گرد آمده باشند. این گروه‌ها همیشه درباره آموزه‌های اصلی ایمان مسیحی اشکال دارند. آن‌ها به‌ویژه درباره الوهیت و انسان‌شدن خدا در شخص عیسی مسیح، از حقیقت کتاب مقدس منحرف شده‌اند.

منابع

- آون، اچ. پی. (۱۳۸۰). دیدگاه‌ها درباره خدا، ترجمه حمید بخشنده، دانشگاه قم: انتشارات اشراق.
- استیس، والتر ت. (۱۳۸۸). عرفان و فلسفه، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات سروش.
- پیلین، دیوید ای. (۱۳۸۳). مبانی فلسفه دین، ترجمه گروه مترجمان، ویراستار سید محمود موسوی. قم: بوستان کتاب.
- هیگ، جان. (۱۳۸۱). فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

- Basinger, David (1996). 'The Case for Freewill Theism: A Philosophical Assessment', DownersGrove, IL: IVP.
- Belt, Thomas. (2002). Open Theism and the Assemblies of God. Assembly of God Missionary, Beirut, Lebanon, Summer.
- Boyd, Gregory (1997). God at War: The Bible and Spiritual Conflict, Downers Grove: IVP.

- Boyd, Gregory A. (2000). *God of the Possible: A Biblical Introduction to the Open View of God*, Grand Rapids: Baker Book House.
- Boyd, Gregory A. (2003). 'Is God to Blame? Beyond Pat Answers to the Problem of Evil', *IVP*.
- Diller, Jeanine & AsaKasher. (2013). *Models of God and Alternative Ultimate Realities*, Springer.
- Frame, John M. (2001). *Open Theism and Divine Foreknowledge*, in: Wilson, Douglas, *Bound Only Once: The Failure of Open Theism*, Canon Press, 2001.
- Gardoski, Kenneth M. (2011). *Open Theism*, Baptist Bible Seminary, Clarks Summit Pa.
- Geach, Peter (1977). *Providence and Evil*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Geisler, Norman. (1998). *Neotheism: The Dangers of Making God in Our Image*, Christian Research Journal.
- Geisler, Norman (1997). *Creating God in the Image of Man?*, Bethany.
- Hartshorne, Charles & Reese, William L. (2000). *Philosophers speak of God*, Humanity Books.
- Hasker, William. (2004). *Providence, Evil and the Openness of God*, Routledge.
- Huffman, Douglas and Johnson, Eric (eds.) (2002). 'God Under Fire; Modern Scholarship Reinvents God', Grand Rapids, MI: Zondervan.
- Jowers, Dennis W. (2005). *Open Theism: Its Nature, History, and Limitations*, WRS Journal, Number 12/1.
- Lucas, J. R. (1970). "The Freedom of the Will". Oxford: Clarendon Press.
- McCabe, Lorenzo Dow (1882). *Divine Nescience of Future Contingencies a Necessity, Being an Introduction to 'The Foreknowledge of God and Cognate Themes*. New York: Phillips and Hunt.
- McGregor, Stu. (2005). *Open theism's doctrine of God: A Critical Review of Five Books on the Subject*, Stimulus, 13 no 2.
- Olson, Gordon (1941). *The Foreknowledge of God*, Arlington Heights, IL: The Bible Research Corporation.
- Oord, Thomas Jay. (2009). *Creation Made Free; Open Theology Engaging Science*, Wipf and Stock Publishers.
- Pinnock, Clark. (2003). *Open Theism: "What is this? A new teaching? and with authority"* (MK 1:27), Ashland Theological Journal.
- Pinnock, Clark H. (2001). *Most Moved Mover: A Theology of God's Openness*, Grand Rapids: Baker Book House.
- Piper, John (ed.) (2003). *Beyond the Bounds: Open Theism and the Undermining of Biblical Christianity*, Chicago: Crossway.
- Rhoda, Alan. (2007). *The Philosophical Case for Open Theism*, Springer: Philosophia. Number.35.
- Rice, Richard (1980). *The Openness of God: The Relationship of Divine Foreknowledge and Human Free Will*, Nashville: Review & Herald.

- Sanders, John. (1998). *The God Who Risks: A Theology of Providence*, Downers Grove: Intervarsity Press.
- Sanders, John (1998). *The God Who Risks: A Theology of Providence*, IVP.
- Swinburne, Richard (1993). *The Coherence of Theism*, Revised Edition. Oxford: Clarendon Press.
- Taliaferro, Charles & Harrison, Victoria S. & Goetz, Stewart. (2013). *The Routledge Companion to Theism*, Routledge.
- Taliaferro, Charles & Marty, Elsa J. (2010). *A Dictionary of Philosophy of Religion*, Continuum Books.
- Taliferro, Charles & Draper, Paul & Quinn, Philip L. (2010). *A Companion to Philosophy of Religion*, Blackwell Publishing.
- Ware, Bruce (2000). *God's Lesser Glory; The Diminished God of Open Theism*, Crossway Books.
- William, Hasker (1989). *'God, Time, and Knowledge, Cornell Studies in the Philosophy of Religion*, Cornell University Press.
- Wright, R. K. McGregor. "No Place for Sovereignty; What's Wrong with Free Will Theism", IVP, 1996.
- www.drjohnsanders.com/open-theism-christian-theism